

نظام حمایتی بشردوستانه از آسیب دیدگان ناشی از جنگ و بحران ها در حقوق

بین الملل معاصر

محمدجواد نیک اقبال، کارشناس ارشد حقوق بین الملل

جمعیت هلال احمر استان اصفهان

معصومه حفار، کارشناس ارشد حسابرسی

چکیده

روزی نیست که در نتیجه جنگ، بحران های سیاسی، یا تنش میان جوامع، هزاران نفر مجبور نشوند تا اجتماعات غارت شده و منازل ویران شده خویش را ترک گویند. درحالیکه اغلب ایشان تماس خود را با نزدیکترین خویشاوندان شان از دست می دهند و یا مجبورند مردگان خود را به خاک بسپارند. بسیاری با بازداشت شدن و یا اسیر شدن در شرایط مخوف به حیات خود خاتمه می دهند. بسیاری دیگر بر اثر درگیری های مسلحانه داخلی، اغتشاشات و اعتراضات حکومتی آسیب های جسمی و روحی می بینند و به دنبال آن اختلالات روانی پس از این صدمات، افراد آسیب دیده را تبدیل به قربانیان ناخواسته و طرد شده جوامع بشری میکند. از این رو هدف اصلی حقوق بین الملل بشردوستانه، حفظ حیات، سلامت و کرامت انسانها در زمان وقوع این بحران هاست. پس برای اینکه این اطمینان حاصل شود که قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه چه در زمان جنگ و چه در زمان بحران های دیگر اجرا خواهد شد، بایستی در زمان صلح و وضعیت های سفید مقدمات و آمادگی های لازم از باب پاسخگویی های بشردوستانه فراهم شود. حقوق بشردوستانه در این شرایط از همه انسان ها حمایت می کند و منظور از این حمایت کلیه خدمات و اقدامات امدادی، پزشکی، حمایت های اساسی روانشناختی و پاسخگویی های بشردوستانه در چهارچوب قوانین حقوق بین الملل می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل بشردوستانه، حمایت، جنگ، آسیب دیدگان

مقدمه

در این مقاله قصد آن نداریم که به تفاوت ها، تعاریف و اصطلاحات حقوقی از قبل بیان شده از قبیل حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه و حقوق جنگ بپردازیم. بلکه هدف آن است که سیستم اجرایی حقوق بین الملل بشر دوستانه از لحاظ اصول حمایتی و ضمانت های اجرایی آن برای آسیب دیدگان ناشی از موقعیت های جنگی و بحران های داخلی مورد بررسی قرار گیرد. حقوق بین الملل بشر دوستانه که از نظر بعضی از صاحب نظران حقوق با عنوان حقوق جنگ هم شناخته می شود، در بردارنده دو مفهوم اصلی است. اول اینکه اعلام می کند که هنگام درگیری مسلحانه (اغتشاشات داخلی یا درگیری مسلحانه برون مرزی) حق دولت ها در انتخاب روش ها و سلاح های جنگی محدود است و آن ها فقط می توانند از آن دسته از روش ها و سلاح های جنگی استفاده کنند که رنج زاید و غیر انسانی ایجاد نکنند که منظور همان سلاح های متعارف است (ضیائی بیگدلی، 1381). دوم اینکه از حیات، سلامت و کرامت انسان هایی که در درگیری مشارکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری پایان داده و سلاح بر زمین گذاشته اند (شامل غیرنظامیان، مجروحان، بیماران، کشتی شکستگان نیروهای مسلح، اسیران جنگی، نمادها) حمایت کند. بنابراین حقوق بشردوستانه در واقع یک رژیم حمایتی ایجاد می کند که در آن از همه نظامیان و غیر نظامیان و به نوعی قربانیان جنایت (مهدی زاده و همکاران، 1393) حمایت می کند. در گذشته براساس این دو مفهوم، حقوق بین الملل بشردوستانه از دو شاخه جداگانه مجموعه مقررات حقوق لاهه و حقوق ژنو تشکیل میشده که با تدوین پروتکل های الحاقی (شماره 2) به کنوانسیون های چهارگانه ژنو در سال 1977 که همزمان هر دوگونه مقررات را در خود جای دادند، این تفکیک از میان رفت.

تحول تاریخی و منابع حقوق بین الملل بشر دوستانه

مقررات حقوق بشردوستانه ریشه در تاریخ دارد. زیرا از ابتدای جوامع بشری تا کنون همواره بین انسانها جنگ وجود داشته و جنگ ها همیشه تابع نوعی مقررات بوده اند. مثلاً در لوح حمورابی قواعدی در مورد نحوه درگیری ها آمده است. کتابهای آسمانی قرآن و انجیل هم دربردارنده مقرراتی در مورد جنگ ها هستند. هر چند که قرآن موقعیتی ممتاز دارد و در آن به مراتب بر رعایت اصول انسانی در هدایت و اداره جنگ ها تأکید شده است. نخستین قانون بشردوستانه مدون و منظمی که از سوی یک دولت برای نیروهای مسلح تدوین شد قوانین لیبر بود. این مجموعه قوانین توسط ایالات متحده آمریکا در سال 1863 تصویب شد و هدف آن تنظیم رفتار سربازانی بود که در ایالات متحده درگیر جنگ های داخلی بودند. اما این قانون جنبه داخلی داشت و فقط در ایالات متحده قابل اجرا بود. اما منادی حقوق بین الملل بشردوستانه به مفهوم امروزی آن، یک تاجر سویسی به نام هنری دونانت بود. وی در سال 1859 پس از مشاهده جنگی خونین میان سربازان اتریش و فرانسه در منطقه ای بنام سولفرینو چون به شدت تحت تأثیر خشونت و رفتارهای غیر انسانی در این جنگ قرار گرفته بود، کتابی با عنوان «خاطرات سولفرینو» نوشت. او در این کتاب ضمن نکوهش رفتارهای غیر انسانی، پیشنهاد تأسیس یک معاهده بین المللی برای کاهش خشونت در جنگ ها و فراهم آوردن زمینه امداد مجروحان و بیماران جنگ ها را ارائه کرد. او همچنین پیشنهاد کرد که کمیته ای برای به اجرا گذاشتن این معاهده بین المللی ایجاد شود. پیشنهاد اول دونانت منجر به تصویب کنوانسیون ژنو 1864 شد که پایه گذار حقوق بین الملل بشردوستانه معاصر بود و پیشنهاد دوم او، سنگ بنای تأسیس کمیته بین المللی صلیب سرخ شد. کنوانسیون های ژنو سه علامت و نماد را به عنوان رسمی حمایتی شناسایی و معرفی کرده اند: صلیب سرخ، هلال احمر و شیر و خورشید سرخ

استفاده از این علائم با دو هدف صورت می‌گیرد: اول اهداف حمایتی و دوم اهداف نشانگرانه

اهداف حمایتی: به این معنا که استفاده از این نمادها در زمان جنگ از پرسنل، واحد‌ها و حمل و نقل پزشکی و امدادی حمایت و حفاظت می‌کند.

اهداف نشانگرانه: یعنی استفاده از این نمادها چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح نشان می‌دهد که یک شخص یا یک شی یا یک نهاد با نهضت بین‌المللی صلیب سرخ، هلال احمر و شیر و خورشید ارتباط دارد. لازم به ذکر است نماد شیر و خورشید سرخ پس از انقلاب 57 ایران تبدیل به هلال احمر شد. (بهزاد نیا، 1359)

در زمان وقوع جنگ فقط جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر کشورها که کار ارائه خدمات پزشکی و امدادی را بر عهده دارند، پرسنل و واحدها و تجهیزات پزشکی و نیروهای مسلح، بیمارستان‌های غیر نظامی و برخی از سازمان‌های بشر دوستانه و امدادی، که مجوز لازم را داشته باشند؛ حق دارند از این نمادها استفاده کنند. حقوق بین‌الملل بشر دوستانه بر استفاده صحیح از نمادها و غیرقانونی بودن سواستفاده از آنها تأکید بسیار دارد. حتی اخیراً اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی سواستفاده از این نمادها را جنایت جنگی خوانده است. در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مسئله سواستفاده از نمادها مکرراً اتفاق می‌افتد. به این ترتیب که طرفین درگیر از آمبولانس‌هایی که نماد هلال احمر را دارند، برای جا به جا کردن تسلیحات، سربازان و در حقیقت برای پناه دادن به نیروهای نظامی استفاده می‌کنند. در نتیجه آمبولانس‌ها مصونیتی را که به موجب حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و به خاطر داشتن علامت هلال احمر از آن برخوردارند، از دست داده‌اند و دائماً مورد حمله قرار می‌گیرند (معاونت آموزش و پژوهش جمعیت هلال احمر استان اصفهان، 1389).

اصل حقوق بشر دوستانه در نظام حقوق بین‌الملل معاصر

حقوق بشر دوستانه اصل توسل به زور و اقدام به جنگ را ممنوع نمی‌کند بلکه در حقیقت حقوق بشر دوستانه می‌کوشد با وضع قوانینی، از خشونت بی‌اندازه در جنگ‌ها جلوگیری کند. برای رسیدن به این منظور حقوق بشر دوستانه حق دولت‌ها را در انتخاب سلاح‌ها و روش‌های جنگی محدود و از قربانیان درگیری‌های مسلحانه حمایت می‌کند. در واقع حقوق بشر دوستانه هیچ توجهی به علت جنگ و قانونی یا غیرقانونی بودن آن ندارد و تنها مسئله‌ای که مورد توجه است، حمایت از قربانیان جنگ صرف‌نظر از اینکه متعلق به کدامیک از دو طرف درگیر هستند و کاهش خشونت نسبت به آنان است (مهدی زاده و همکاران، 1393). این همان چیزی است که با عنوان *Jus in bello*، یعنی حقوق در جنگ یا حقوق بشر دوستانه شناخته می‌شود. اما *Jus ad bellum* یعنی حقوق جنگ با حقوق توسل به زور مفهوم متفاوتی دارد. تا پایان جنگ جهانی اول جامعه بین‌المللی جنگ را ممنوع و غیرقانونی نمی‌دانست و آن را راهی معمول برای حل اختلاف‌های دولت‌ها می‌دانست. با تصویب منشور سازمان ملل متحد در سال 1945 دولت‌ها توسل به جنگ را — جز در حالت دفاع از خود — ممنوع و غیرقانونی اعلام کردند. بنابراین امروزه توسل به جنگ و در روابط بین‌الملل ممنوع است و حتی جرم تلقی می‌شود. پس *Jus ad bellum* در واقع حقوق توسل به زور است و موضوع آن اصلاً از قلمرو حقوق بشر دوستانه خارج است.

رابطه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در نظام بین‌الملل



حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مکمل یکدیگرند. و هر دو به دنبال حمایت از افراد هستند. اما این کار را در شرایط و به شکل های مختلف انجام می دهند. حقوق بشر همواره در همه شرایط اعم از جنگ و صلح از افراد انسان حمایت می کند. مقررات حقوق بشر تلاش می کند تا رفتارهای مستبدانه دولت ها نسبت به اتباع شان را مهار کرده و دولت ها را وادار کنند حقوق افراد انسان را محترم شمرده و رعایت کنند. بنابراین مقررات حقوق بشر در زمان جنگ هم لازم الاجرا هستند. اما همه انواع حقوق بشر اعتبار یکسانی ندارند. برخی از انواع حقوق بشر در هیچ شرایطی و به هیچ وجه قابل تعلیق نیستند. به این گروه از حقوق بشر، هسته سخت حقوق بشر می گویند. در مقابل، برخی از انواع حقوق بشر هم وجود دارند که دولت ها می توانند در شرایط اضطراری، موقتا و ارائه دلیل موجه آنها را به حالت تعلیق درآورند. نمونه این قبیل حقوق، حق آزادی رفت و آمد و آزادی اجتماعات است.

از سوی دیگر در زمان وقوع درگیری مسلحانه، یک سیستم ویژه حقوقی، قابلیت اجرا می یابد. این سیستم ویژه حقوق بین الملل، بشردوستانه است که هدف آن حمایت از قربانیان جنگ ها و تنظیم نحوه هدایت درگیری است. از آنجا اساسا حقوق بشردوستانه برای اجرا در شرایط اضطراری ایجاد شده است. لذا هیچ گونه تخطی از آن مجاز نیست. به این ترتیب می توان گفت که حقوق بین الملل بشردوستانه از هسته سخت حقوق بشر در زمان وقوع درگیری های مسلحانه حمایت می کند. این حمایت های اصلی شامل حق حیات، ممنوعیت بندگی و بردگی، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیر انسانی و ممنوعیت عطف به ماسبق شدن قانون است. این حمایت ها در هیچ حالتی قابل تعلیق نیستند.

موقعیت های اجرایی حقوق بشر دوستانه

حقوق بشردوستانه در دو موقعیت قابل اجرا است.

اول: درگیری های مسلحانه بین المللی

منظور جنگ هایی است که در آن ارتش منظم دو کشور با یکدیگر وارد جنگ می شوند.

دوم: درگیری های مسلحانه غیر بین المللی

منظور جنگ هایی است که در یک ظرف آن نیروهای مسلح مخالف دولت و در طرف دیگر نیروهای مسلح دولتی قرار دارند. البته این نیروهای مخالف دولت باید سازمان یافته و دارای فرماندهی مسئول باشند.

بیش از این پروتکل دوم الحاقی 1977 قراردادهای چهارگانه (ضیائی بیگدلی، 1381)، مقرر می داشت که این گروه مسلح باید کنترل بخشی از سرزمین کشور را هم در دست داشته باشند، اما اینک این ضابطه تغییر کرده و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی که در سال 1998 در شهر رم به تصویب دولت ها رسیده، می گوید: که داشتن کنترل بر بخشی از سرزمین لازم نیست و فقط کافی است که درگیری این گروه مخالف با دولت، مدت طولانی در جریان باشد. اما در شورش ها و اغتشاشات داخلی، حقوق بین الملل بشر دوستانه قابل اجرا نیست. در حقیقت در این قبیل نا آرامی های داخلی که از شدت کمی برخوردارند و به حد یک درگیری مسلحانه داخلی نمی رسند، مقررات حقوق بشر دوستانه قابلیت اجرا ندارند و در عوض مقررات حقوق داخلی کشور مربوطه و برخی مقررات حقوق بشری لازم الاجرا هستند (سمیعی، 1393). پس برای اینکه بدانیم، برای تشخیص این مورد که کدام مقررات بشر دوستانه باید برای حمایت از قربانیان یک درگیری به کار رود، اول باید نوع درگیری را تشخیص داد. دوم می بایست افراد و اهداف نظامی و غیرنظامی از یکدیگر مشخص شود. لذا اصل تفکیک که یکی از اصول بنیادین حقوق بین الملل بشر دوستانه است

اینجا شکل می‌گیرد. به عنوان مثال در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی مقررات چهارگانه کنوانسیون ژنو 1949 به علاوه پروتکل اول الحاقی 1997 به کنوانسیون‌های ژنو قابل اجرا است. اما در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، ماده 3 مشترک کنوانسیون‌های ژنو، به علاوه پروتکل دوم الحاقی 1977 به کنوانسیون‌های ژنو، لازم الاجرا می‌شود.

افراد مورد حمایت و توجه حقوق بین‌الملل بشردوستانه

همان‌طور که اشاره کردیم هدف اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه حمایت از حیات، سلامت و کرامت انسان‌ها در برابر اثرات جنگ و بحران است (سمیعی، 1393). این حمایت چهار شکل مختلف دارد.

اول: حمایتی است که از همه غیرنظامیان به صورت عمومی به عمل می‌آید و حق دریافت کمک‌های بشر دوستانه را دارند.

این جمعیت نیازمند شامل افراد زیر است (مهدی زاده و همکاران، 1384):

زنان: زنان باردار، زنان شیرده

کودکان، نوجوانان، بزرگسالان و کهنسالان

افراد دارای معلولیت: ذهنی، جسمی حرکتی

روزنامه‌نگاران و عکاسان خبری

کارکنان امدادی: امدادگران و نجاتگران، کارشناسان بهداشتی، آتش‌نشان‌ها، داوطلبان

خانواده‌هایی که اعضای آنها بر اثر جنگ از هم جدا شده‌اند، باید مجدداً پیوند داده شوند. دولت‌ها موظفند تسهیلات لازم را برای به هم پیوستن مجدد این خانواده‌ها فراهم کنند.

همه اشخاصی که به دست یکی از طرف‌های درگیری می‌افتند در همه حال باید از رفتار انسانی برخوردار باشند و بدون هیچ‌گونه تبعیضی از تضمینات اساسی بهره‌مند شوند. منظور از تضمینات اساسی این است که شخصیت، حیثیت، اعتقادات و آداب مذهبی این افراد باید مورد احترام قرار گیرد.

دوم: حمایتی است که از غیرنظامیانی به عمل می‌آید که در موقع جنگ یا اشغال به دست دشمن افتاده‌اند

این حمایت موارد زیر را شامل می‌شود:

این اشخاص حق دارند تا از رفتار انسانی بهره‌مند شوند. یعنی شخصیت، حیثیت، حقوق خانوادگی، اعتقادات و آداب مذهبی و عادات و رسوم این افراد باید همواره مورد احترام قرار گیرد. برای تضمین رعایت اصل اشاره شده، اشخاص مورد حمایت حق دارند به دولت‌های حامی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جمعیت‌های ملی صلیب سرخ یا هلال احمر و هر سازمان بشر دوستانه دیگری مراجعه کنند.

بد رفتاری با این افراد و هر گونه اقدامی که موجب رنج جسمی یا مرگ آنها شود، همچنین غارت اموال آنها ممنوع است.

اگر دولت دشمن به دلایل ضروری امنیتی تصمیم بگیرد که اقدامات امنیتی در مورد این افراد مورد حمایت اتخاذ کند، حداکثر می تواند آنها را وادار به اقامت اجباری نماید یا بازداشت کند. بنابراین در این شرایط مجازات نیست، بلکه صرفاً یک اقدام امنیتی و انضباطی است. تسهیلاتی که در زمان بازداشت به این اشخاص داده می شود، بیش از تسهیلاتی است که به اسرای جنگی داده می شود. به علاوه نمیتوان آنها را بر خلاف میل خود به کار اجباری واداشت. این افراد به محض پایان درگیری ها باید آزاد شوند.

سوم: حمایتی است که از پناهندگان و آوارگان به عمل می آید.

مرحله اضطراری

هجوم ناگهانی و در مقیاس وسیع آوارگان، نیازمند واکنش های بسیار سریع و اغلب تحت شرایط بی نهایت دشوار می باشد تا به نحوی حمایت و کمک امدادی تامین شود. حمایت بین المللی از آوارگان بنیان کار نماینده عالی سازمان ملل در امور آوارگان (UNHCR) می باشد. این وظیفه توسط اجتماع بین الملل از طریق مجمع عمومی سازمان ملل به وی اعطا گردیده است. انجام کمکهای امدادی بشر دوستانه در ابتدا وظیفه کشورهای میزبان اول شمرده می شد. هجوم فراوان آوارگان به کشورهای کمتر توسعه یافته، اجتماع بین المللی را برانگیخت تا یک سیاست تقسیم کاری مناسبتری را عملی کنند و دخالت نماینده عالی در امور آوارگان گسترش یافت تا کمک های امدادی به آوارگان را هماهنگ نموده و کارایی فعالیت ها را در طی اقدامات کمک رسانی داوطلبانه تضمین نماید (مهدی زاده و همکاران، 1384). در سال های اخیر، از نماینده عالی سازمان ملل متحد در امور آوارگان و پناهندگان درخواست شده است تا به مجموعه فزاینده ای از بحران های بزرگ و پیچیده پاسخ گوید. در طی این مراحل اضطراری، واکنش اولیه معطوف به تضمین امنیت و نیاز های اولیه آسیب دیدگان شامل موارد سرپناه، غذا، آب، امنیت فردی، موارد بهداشتی و سلامت می باشد (سمیعی، 1393).

چهارم: قواعد ویژه ناظر بر سرزمین های اشغالی

از دیدگاه حقوق بین الملل بشر دوستانه، غیر نظامیانی که در سرزمین های اشغالی بسر میبرند نیازمند قوانین حمایتی ویژه و مفصلتری هستند. آنها به صورت کاملاً غیر ارادی و صرفاً به خاطر وقوع درگیری مسلحانه ای که طی آن دشمن کنترل سرزمین آنها را به دست گرفته با دشمن درگیر می شوند. بنابراین می توان گفت که دولت اشغالگر موظف است شرایطی فراهم کند که زندگی عادی در سرزمین اشغالی ادامه یابد. تنها حقی که برای دولت اشغالگر شناخته شده، این است که با اتخاذ تدابیر لازم امنیت ارتش خود را تامین کند. اما در کنار آن موظف است نظم و امنیت را در سرزمین اشغالی برقرار کند، بهداشت و سلامت عمومی را تضمین نماید و غذا، دارو و تجهیزات پزشکی لازم را برای مردم تامین کند. همچنین باید به روحانیون همه مذاهب اجازه فعالیت دینی و معنوی بدهد.

کمک های بشر دوستانه

از دید حقوق بین الملل بشر دوستانه جمعیت نیازمند که تحت تاثیر درگیری و یا بحران قرار گرفته اند حق دریافت کمک های بشر دوستانه را دارند. شرایط تهیه این کمک ها که می تواند به شکل آب، غذا، سرپناه، دارو، تجهیزات پزشکی و سایر امکانات امدادی و

¹ United Nations High Commissioner for Refugees

حیاتی برای آسیب دیدگان باشد در پاسخگویی های بشر دوستانه در این حقوق مشخص شده است (سمیعی، 1393). استفاده از برخی روش های غیر بشری نظیر گرسنگی دادن به غیر نظامیان به عنوان یک روش جنگی شناخته شده و در زمره جنایت جنگی به حساب می آید. شورای امنیت سازمان ملل متحد در برخی از این موارد نظیر مسئله عراق (1991)، سومالی (1991)، رواندا (1994) و افغانستان (1998) با اعزام نیروهای مسلح چند ملیتی و استفاده از زور اقدام به توزیع کمک های بشر دوستانه در بین غیر نظامیان کرده است.

مجریان حقوق بین الملل بشر دوستانه

نهاد های متولی اجرای حقوق بین الملل بشر دوستانه در جهان عبارتند از:

اول: دولت ها

دوم: کمیته بین المللی صلیب سرخ²

سوم: جمعیت های ملی صلیب سرخ و هلال احمر

چهارم: سازمان های غیر دولتی بشر دوستانه شامل: سازمان پزشکان بدون مرز، سازمان عفو بین الملل، دیده بان حقوق بشر، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و ...

پنجم: شورای امنیت سازمان ملل متحد

ششم: محاکم کیفری (بین المللی، داخلی، اختصاصی) شامل: دیوان کیفری بین المللی، دادگاه های کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY)، دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا (ICTR)، دادگاه عراق

هفتم: پروژه اسفیر (Sphere)

ضمانت اجرایی حقوق بین الملل بشر دوستانه

پس از تدوین نخستین معاهدات بشر دوستانه در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، افکار عمومی انتظار داشت که جنگ جهانی اول صورتی انسانی تر داشته باشد. اما فجایعی به وجود آمد و آنچه بر انسان ها رفت، جامعه جهانی را نا امید کرد. سپس در فاصله دو جنگ جهانی، با امید ایجاد شرایطی انسانی تر در جنگ های آینده، معاهدات بشر دوستانه دیگری به تصویب دولت ها رسید. اما تکرار خشونت و حتی تشدید آن در جنگ جهانی دوم نشان داد که باید ضمانت اجرایی قوی تر و موثرتری برای مقررات بشر دوستانه ایجاد شود. بنابراین روند جدیدی در ایجاد یک سیستم ضمانت اجرا برای حقوق بشر دوستانه آغاز شد که تا به امروز دائماً پیشرفت کرده است. هر چند در ذهن بسیاری از افراد و دولت ها تردید هایی در مورد قابلیت اجرایی آن مطرح می شود اما این حقیقت را نباید فراموش کرد که امروزه در پرتو تلاش های بین المللی هم وضعیت عملی و هم موقعیت حقوقی اجرای قوانین بشر دوستانه نسبت به گذشته بسیار قابل اعتماد تر و دقیق تر شده است.

برخی از ویژگی های این سیستم ضمانت اجرا به شرح زیر است:

² International Committee of The Red Cross (ICRC)



اول: حقوق بین الملل اصولاً به تنظیم روابط دولت ها می پردازد و لذا در اغلب شاخه های حقوق بین الملل این دولت ها هستند که مسئولیت اصلی تخلف از قوانین و مقررات را بر عهده دارند. اما در حقوق بشر دوستانه بر خلاف سایر شاخه های حقوق بین الملل، افراد متخلف و ناقض حقوق بشر دوستانه مسئولیت شخصی دارند. حقوق بین الملل بشر دوستانه تمهیداتی کیفی برای محاکمه و مجازات این ناقضین حقوق بشر اندیشیده است.

دوم: برای اینکه بهتر و شایسته تر مقررات حقوق بشر دوستانه تامین شود و بتواند از سیستم سازمان یافته و کارآمد اجرای قوانین داخلی استفاده کند، باید مقررات حقوقی بین الملل بشر دوستانه در قوانین ملی (داخلی) گنجانده شود. یعنی دولت ها پس از آنکه به هر معاهده بین المللی بشر دوستانه پیوستند، باید قوانینی داخلی هم با موضوع همان معاهده در مجلس کشور خود به تصویب برسانند. این عمل اجرای موفق تر مقررات بشر دوستانه را تضمین می کند.

خصوصیت سوم در نقش خاصی است که حقوق بین الملل بشر دوستانه برای کمیته بین المللی صلیب سرخ به عنوان پشتیبان و متولی حقوق بین الملل بشر دوستانه و همچنین برای دولت حامی پذیرفته است. دولت حامی، دولت بی طرفی است که هر یک از طرفین درگیری، البته با رضایت و موافقت دولت دشمن، انتخاب میکند تا از اتباع مورد حمایت آن دولت که در سرزمین طرف دشمن به سر می برند، حمایت کند. مثلاً با اسرای جنگی و غیر نظامیان دستگیر شده ملاقات و برای حمایت از آنها اقدام بین المللی کند.

چهارم اینکه تعهداتی که در حقوق بین الملل وجود ندارد. این ویژگی عبارت است از اینکه دولت ها نه تنها خود متعهدند تا تعهداتی را که به موجب حقوق بین الملل بشر دوستانه پذیرفته اند به اجرا بگذارند، بلکه متعهدند که اجرای آن را توسط دولت های دیگر هم تضمین کنند. یعنی هر دولت متعهد است که بر رعایت حقوق بین الملل بشر دوستانه توسط دولت های دیگر هم نظارت کند.

پیشگیری از قربانی شدن ناشی از نقض حقوق بشر

بر اساس حقوق بین الملل بشر دوستانه، نقض هر نوع حقوق انسانی منجر به ایجاد حقی جهت قربانی برای جبران سازی می شود. توجه خاصی باید به نقض آشکار حقوق بشر و آزادی های اساسی مبذول گردد. موارد نقض حقوق بین الملل عبارتند از: نسل کشی، بردگی و اعمال شبیه به بردگی، اعدام های جمعی یا خودسرانه، شکنجه و بی رحمی، مجازات یا رفتار ناشایست و غیر انسانی، ناپدید شدن همراه با ارباب، بازداشت خودسرانه و طولانی، تبعید یا کوچاندن اجباری افراد و تبعیض سازمان یافته به ویژه مبتنی بر نژاد یا جنسیت.

هر دولت وظیفه دارد تا در مورد سرپیچی از یک مسئولیت ناشی از حقوق بین المللی دست به اعاده بزند تا تداوم احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی را تضمین نماید و باعث احترام گذاشتن به آنها گردد. وظایفی که احترام به حقوق بشر را تضمین می کنند عبارتند از: اقدام مناسب در برابر متخلفان و تلاش برای ترمیم و جبران خسارات وارده به قربانیان. دولت ها باید تضمین کنند که هیچ فردی از افراد که باعث نقض آشکار حقوق بشر می شوند، مصون از پیامدهای اعمال خود نخواهند بود. جبران نقض حقوق بشر به منظور تسکین آلام و اجرای عدالت برای قربانیان صورت می گیرد. این جبران موارد نقض حقوق بشر باید پاسخی باشد به نیاز ها و خواسته های قربانیان و تضمین عدم تکرار آن را در بر گیرد. اشکال مختلف جبران موارد نقض حقوق بشر شامل موارد زیر است:

- 1-اعاده کردن، برای شکل گیری دوباره وضعیتی است که برای قربانی قبل از نقض شدن حقوق انسانی وجود داشت، تا حد ممکن باید صورت گیرد. در ضمن اعاده نیازمند احیای حقوق آزادی، شهروندی، اقامت، کار یا مالکیت است.
- 2-پرداخت غرامت، باید برای هر نوع خسارت قابل ارزیابی اقتصادی ناشی از آسیب نقض حقوق بشر فراهم شود.
- 3-توان بخشی مجدد، باید به صورت خدمات قانونی، بهداشتی، روانشناسی و سایر مراقبت ها، به همراه اقداماتی برای اعاده حرمت و شهرت قربانیان صورت گیرد.
- 4-کسب رضایت از قربانیان همراه با تضمین عدم تکرار نقض حقوق بشر

بحث و نتیجه گیری

برای اینکه این اطمینان حاصل شود که مقررات حقوق بین الملل بشر دوستانه در زمان جنگ و بحران ها اجرا خواهد شد می بایست در زمان صلح و وضعیت های سفید مقدمات لازم فراهم شود. مهمترین مقدمات این است که باید حقوق بین الملل بشر دوستانه به عموم مردم آموزش داده شود. دیگر اینکه اسناد و معاهدات حقوق بین الملل بشر دوستانه به زبان ملی کشور های مختلف ترجمه شود. در زمان عادی و به دور از هر گونه تنش سیاسی و بین المللی قوانین داخلی لازم برای اجرای معاهدات بشر دوستانه و محاکمه و مجازات نقض حقوق بشر دوستانه می بایست در مجالس کشور ها تصویب شود. به خصوص همه کشور ها باید قانون داخلی برای محاکمه و مجازات، سو استفاده از علائم صلیب سرخ و هلال احمر و نیز جنایات جنگی از تصویب مجالس قانون گذاری خود بگذارند. مسلم است که در صورت وقوع بحران و یا جنگ دیگر مجالس قانون گزار وقت و مجال کافی برای تصویب این گونه قوانین نخواهند داشت. همچنین نحوه درست پاسخگویی های بشر دوستانه به خواسته ها و نیازهای افراد آسیب دیده باید بر اساس حداقل استاندارد های پاسخگویی که در پروژه اسفیر تعریف شده است، حاصل گردد. هدف این پروژه ارتقای کیفیت امدادسانی بشر دوستانه در شرایط ناگوار بلایا و اغتشاشات، و نیز افزایش مسئولیت پذیری انسانی در قبال افراد آسیب دیده و گرفتار است (نیک اقبال، 1395).

بعید است که فجایع و سوانح در آینده نزدیک کم شود. اجتماعات آسیب دیده مجبور خواهند بود تا به تقویت کردن توانایی هایشان برای جوابگویی به نیاز های مادی، جسمی و روانی ایجاد شده با این حوادث بپردازد. لذا نقش سازمان های غیر دولتی را در این میان نباید فراموش کرد، چراکه آنها منابع بسیار مهمی چون جوانان و داوطلبان آماده ای را دارند که حاضرند در صورت لزوم مهارت و تجارب خویش را جهت پاسخگویی و مقابله با بحران ها در این کار قرار دهند.

منابع

- بهبادنی، علی اصغر، 1359، قرارداد های چهارگانه ژنو درباره صلیب سرخ بین المللی، چاپ اول، تهران، ادارات روابط بین المللی و حقوقی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
- سمیعی، عزیز، 1393، "پروژه اسفیر" نماینده کشوری سازمان کنسرسیوم جهانی پناهندگان در ایران، چاپ اول، تهران، نشر چالش
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، 1381، حقوق جنگ (حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه)، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- معاونت آموزش و پژوهش جمعیت هلال احمر استان اصفهان، 1389، کتاب سرخ، چاپ اول، اصفهان، اقیانوس معرفت
- مهدی زاده، محمدرضا؛ باقری یزدی، سید عباس، 1384، اقدامات بین المللی در برابر استرس ناشی از ضربه، چاپ اول، تهران، موسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران (مجرى: آروىچ)
- نیک اقبال، محمدرضا، اصول حمایتی اجتماعی منشور بشردوستانه در بحران ها، هفتمین کنفرانس بین المللی مهندسی و علوم انسانی، اتریش، وین، 1397

Humanitarian support system for victims of war and crises in

Contemporary International law

Mohammad Javad Nikeghbal

Master of International Law

Red Crescent population of Isfahan province

Masooma Hafar

Master of Audit

Abstract

There is not a day that thousands of people are not forced to leave their looted communities and destroyed homes as a result of war, political crises, or tensions between communities. While most of them lose contact with their closest relatives or have to bury their dead. Many people end their lives by being arrested or captured in terrible conditions. Many others suffer physical and mental injuries as a result of internal armed conflicts, riots and government protests, and the mental disorders after these injuries make the affected people unwanted and rejected victims of human societies. Therefore, the main goal of international humanitarian law is to preserve the life, health and dignity of human beings during these crises. Therefore, in order to ensure that the rules of international humanitarian law will be implemented both in times of war and in times of other crises, it is necessary to provide the necessary preparations and preparations for humanitarian responses in times of peace and peace. In this situation, humanitarian rights support all human beings, and this support means all relief services and measures, medicine, basic psychological support and humanitarian responses within the framework of international law.

Keywords: International humanitarian law, protection, war, victims